

ضرورت‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش بالادستی صنعت نفت

محمد آقایی



استفاده از روش‌های تأمین منابع مالی خارجی قرضی و غیرقرضی به خودی خود نشانگر ضعف اقتصادی محسوب نمی‌شود بلکه راهی برای تسریع حرکت اقتصاد به سوی توسعه پایدار و ایجاد اشتغال بوده و می‌تواند به عنوان اهرمی برای ثبات توسعه و رشد اقتصادی بکار گرفته شود. به عبارتی قدرت جذب تسهیلات و اعتبارات خارجی از مؤسسات مالی بین‌المللی و میزان جذب سرمایه‌های خارجی از سوی کشور میزبان و سرمایه‌پذیر، یکی از نشانه‌های سطح استحکام اقتصادی و سیاسی کشور میزبان محسوب می‌گردد. از آنجایی که نفت در ایران نیروی محرکه صنعت و اقتصاد است، منابع مالی خارجی روش مناسبی برای تأمین نیاز ارزی در پروژه‌های بالادستی صنعت نفت می‌باشد که نهایتاً موجب افزایش تولید، رفاه اقتصادی و بهبود موازنه تجاری و رشد و توسعه اقتصادی کشور می‌گردد. در این مقاله به ضرورت‌های جذب سرمایه‌های خارجی، به عنوان مهم‌ترین چالش پیش‌روی صنعت نفت کشورمان، پرداخته می‌شود.

با بحران مواجه سازد. جذب سرمایه‌های خارجی در کشور ما به دلیل محدودیت‌های قانونی تنها به صورت انعقاد قراردادهای بیع متقابل و فاینانس صورت می‌پذیرد. این شیوه عقد قرارداد دیگر جذابیتی برای شرکت‌های معتبر غربی که هم صاحب سرمایه و هم دارای تکنولوژی‌های مدرن هستند، ندارد بنابراین برای ترغیب شرکت‌های بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری‌های بیشتر می‌بایست از شیوه‌های نوین تأمین مالی جهت فعال‌سازی پروژه‌های نفت و گاز نیز استفاده می‌شود. وجود میادین مشترک نفتی و گازی با کشورهای همجوار در خشکی و دریا (۱۳) میدان نفتی و ۷ میدان گازی مشترک یکی دیگر از ضرورت‌های جذب سرمایه خارجی است. بدیهی است دستیابی به سهم عادلانه‌ای از این میادین منوط به سرمایه‌گذاری بیشتر است.

صنعت نفت و برنامه پنجم توسعه

ظرفیت تولید نفت خام کشور در سال جاری حدود ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز برنامه‌ریزی شده است که انتظار می‌رود این ظرفیت با برآوردهای اولیه، در پایان برنامه پنجم توسعه، (۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴) به حدود ۵ میلیون و ۱۵۰ هزار بشکه در روز و همچنین ظرفیت پالایشگاهی کشور به ۲/۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد. بر اساس پیش‌بینی‌های انجام شده در بخش بالادستی نفت و با توجه به استانداردهای قابل قبول برای سرمایه‌گذاری در خشکی و دریا به منظور اکتشاف، ظرفیت‌سازی مورد نظر و همچنین، جبران افت تولید و افزایش ضریب بازیافت، طی برنامه پنجم توسعه، بخش بالادستی به بیش از ۵۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد که در صورت تحقق آن، می‌توان به دستیابی به اهداف برنامه امیدوار بود. ظرفیت تولید گاز کشور که در حال حاضر حدود ۶۲۰ میلیون مترمکعب در روز است، با توجه به نیاز مصرفی کشور و مذاکرات و توافقات انجام شده برای صادرات و همچنین پیش‌بینی‌های انجام شده برای تزریق به مخازن، باید در برنامه پنجم توسعه، رشد صد درصدی داشته باشد و حداقل به رقم یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون متر مکعب برسد، همچنین توان پالایش گاز کشور باید از ۵۴۰ به ۹۰۰ میلیون متر مکعب افزایش یابد. هم‌اکنون سهم گاز در سبد انرژی کشور ۶۲ درصد است که در پایان برنامه پنجم باید به ۷۰ درصد برسد. که در این صورت، برای دستیابی به رقم تولید و اهداف پیش‌بینی شده در این بخش، سرمایه‌گذاری لازم برای آن، بیش از یکصد میلیارد دلار برآورد می‌شود. در مجموع و برای دستیابی به اهداف بالادستی صنعت نفت در برنامه پنجم توسعه، رقم سرمایه‌گذاری مورد نیاز به حدود ۱۵۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود. یعنی به طور متوسط سالی ۳۰ میلیارد دلار و از آنجا که منابع مالی داخلی و سایر شیوه‌های

ایران کشوری در حال توسعه است و از خصوصیات بارز آن نیاز شدید به منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری، تأمین مواد اولیه و تولید است. جدا از نوع «استراتژی توسعه» اتخاذ شده توسط هر کشور سرمایه‌گذاری از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی هر کشور است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای رفع تنگناهای پیش‌رو به استقراض از منابع خارجی متوسل می‌شوند. جذب سرمایه‌های خارجی راه حل دیگری است که بسیاری از کشورها به ویژه در دهه‌های اخیر آن را برگزیدند و از آنجا که به موفقیت‌های بزرگی نایل شدند توجه متخصصین به این موضوع معطوف گردید. در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی به دلایل سیاسی و تحریم‌های اقتصادی استفاده از شیوه دوم با دشواری‌های زیادی همراه بود. انرژی به عنوان یکی از عوامل مهم تولید در کنار سایر عوامل تولید نقش مهم و غیرقابل انکاری در رشد و توسعه اقتصادی دارد و طبیعی است هر چه ابعاد فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی گسترده‌تر شود نیاز به انرژی نیز بیشتر می‌شود. میزان نفت درجای ایران بالغ بر ۶۰۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است که با تکنولوژی روز دنیا و با توجه به ضریب بازیافت فعلی، حدود ۱۳۶/۹۹ میلیارد بشکه از ذخایر نفتی جهان (بیش از ۱۱ درصد) و ۲۸/۱۷ تریلیون متر مکعب معادل ۹۹۴/۸۱ تریلیون فوت مکعب از ذخایر گاز طبیعی جهان (حدود ۱۷ درصد) در ایران قرار گرفته است؛ همچنین بخش اعظم انرژی اولیه مورد استفاده را نفت، فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی تشکیل می‌دهد. بنابراین سرمایه‌گذاری در این بخش و اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست. متأسفانه اگر چه بخش عمده‌ای از درآمدها از صادرات نفت خام بدست می‌آید اما منابع مالی حاصل از صادرات نفت خام با توجه به سایر نیازهای ضروری کشور، برای سرمایه‌گذاری جدید به منظور افزایش تولید و ایجاد ظرفیت‌های جدید چندان تکافو نمی‌کند و با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری امریست بلندمدت، اگر در طول زمان پیش‌بینی شده دقیق صورت نگیرد ممکن است به صورت ناگهانی بخش نفت و در نتیجه کل اقتصاد را

* کارشناس ارشد مهندسی نفت - شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب

تجهیز سرمایه‌گذاری از منابع داخلی در کشور ما محدود است، بخش اعظم این سرمایه‌گذاری (حدود ۶۰ درصد یعنی ۱۸ میلیارد دلار در سال) می‌بایست از منابع مالی خارجی تأمین گردد.

این در حالی است که به دلیل اوضاع سیاسی و شرایط بین‌المللی حاکم در دولت نهم از ۶۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صورت گرفته در صنعت نفت تنها ۴۸ میلیارد دلار جذب سرمایه خارجی انجام شده است که بسیار کمتر از انتظارات موجود در این بخش است. در حال حاضر ۱۹ میلیارد دلار پروژه نیمه تمام در صنعت گاز وجود دارد که تنها ۳ میلیارد دلار بودجه برای تکمیل آن‌ها در نظر گرفته شده است و حدود ۸۰ میلیارد دلار پروژه نیمه‌تمام در صنعت نفت وجود دارد و ادامه روند فعلی تأمین مالی طرح‌های صنعت نفت را با مشکل مواجه کرده است و با کاهش شدید بهای نفت نیز اجرای بسیاری از طرح‌های نفتی متوقف می‌شود. اگر دلایل این فاصله و تأخیر در نیل به اهداف پیش‌بینی شده به درستی مورد بررسی قرار گیرد در می‌یابیم که کمبود برخی امکانات ضروری موجب این تأخیرها شده است. باید بپذیریم تا زمانی که سرمایه‌گذاری مناسبی در حوزه نفت و گاز انجام نگیرد این صنعت با چالش‌هایی جدی مواجه خواهد شد.

صنعت نفت و سند چشم‌انداز بیست ساله

ترسیم جمهوری اسلامی ایران بر اساس سند ۲۰ ساله چشم‌انداز که از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد، نشان داد که ایران در سال ۱۴۰۴ خورشیدی - ۲۰ سال پس از ابلاغ سند چشم‌انداز - در کدام نقطه باید قرار گیرد.

در حقیقت، تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در منطقه خاورمیانه، مهمترین هدف چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور است. صنایع نفت، گاز و پتروشیمی نیز از این قاعده مستثنی نیست. بر اساس این سند، میزان تولید گاز از حدود ۵۰۰ میلیون متر مکعب فعلی باید به ۱/۸ میلیارد مکعب افزایش یابد (سومین تولید کننده گاز در دنیا با سهم ۸ تا ۱۰ درصد از تجارت جهانی گاز) و ظرفیت تولید نیز از ۴/۳ میلیون بشکه در روز در حال حاضر به میزان ۷ میلیون بشکه در سال ۱۴۰۴ - با احتساب میعانات گازی - افزایش یابد (دومین تولید کننده نفت در اوپک با ظرفیت ۷ درصد از تقاضای بازار جهانی). اما واقعیت آن است که تحقق اهداف سند چشم‌انداز، بدون سرمایه‌گذاری کافی امکان‌پذیر نخواهد بود. تخمین زده می‌شود که تحقق اهداف سند چشم‌انداز در بخش انرژی به‌ویژه نفت، نیازمند ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است و این بدین معناست که در جذب سرمایه‌ها، چه سرمایه‌های خارجی و چه سرمایه‌های داخلی بخش خصوصی باید تلاش بیشتری صورت گیرد. این امر به‌ویژه در شرایط فعلی که کشور با تحریم‌های اقتصادی مواجه شده از اهمیت بیشتری برخوردار است، چرا که طبیعتاً در چنین وضعیتی، جذب سرمایه‌ها مشکل‌تر است و به همین دلیل باید زمینه‌های لازم برای رفع موانع فراهم شود.

البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که میدین نفتی کشورمان در نیمه دوم عمر تولید خود قرار دارند و به دلیل افت فشار، دیگر توان تولید سابق را ندارند. در واقع دوران تولید ارزان و آسان از مخزن تمام شده و دیگر نباید انتظار اکتشافات بزرگ را داشت. امروز چاه‌هایی که زمانی ۸۰ هزار بشکه در روز تولید می‌کردند دیگر قادر به تولید بیش از ۲ هزار بشکه در روز نیستند. لذا دستیابی به اعداد و ارقام تولید نفت در برنامه پنج‌م و سند چشم‌انداز تنها از طریق اعمال روش‌های صحیح ازدیاد برداشت نظیر تزریق گاز و بالا بردن ضریب بازیافت ممکن است. چرا که حفر چاه‌های متعدد که هم فرایندی هزینه بر بوده و بعضاً مغایر با برداشت صیانتی و اصول حاکم بر تولید از مخزن می‌باشد.

به نظر می‌رسد که برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، باید تمامی موانع از سر راه برداشته شود و قطعاً یکی از این موانع مهم، کمبود سرمایه‌گذاری است. با توسعه سرمایه‌گذاری‌ها می‌توان زمینه را برای نیل به اهداف و آرمان‌های سند چشم‌انداز ۲۰ ساله فراهم ساخت.

بنابراین با توجه به مطالبی که در بالا بدان اشاره شد. جهت تحقق اهداف برنامه پنج‌م و در بلند مدت به منظور نیل به اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز بیست ساله می‌باید موارد زیر مورد توجه عمیق و جدی قرار گیرند:

- ۱- اصلاح قوانین و رفع محدودیت‌ها و موانع موجود بر سر راه شرکت‌های بین‌المللی جهت عقد قراردادهای متنوع و جذاب برای فعالیت در صنعت نفت
- ۲- ایجاد زمینه تعامل با بانک‌های خارجی به منظور راهیابی به بازارهای بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش صنعت نفت
- ۳- تعامل و برون‌گرایی و پرهیز از زندگی جزیره‌ای
- ۴- حضور فعال و گسترده در نمایشگاه‌های بین‌المللی نفت و گاز و معرفی پتانسیل‌ها و جاذبه‌های سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران (نظیر وجود ذخایر عظیم هیدروکربوری و پایین بودن ریسک اکتشاف و هزینه بهره‌برداری از آنها نسبت به سایر کشورها) به سرمایه‌گذاران خارجی
- ۴- ارتقای مدیریت و توسعه منابع انسانی در تراز منطقه‌ای و سپس جهانی
- ۵- تغییر نظام اجرایی طرح‌ها در سطح صنعت نفت با هدف روزآمد ساختن آن
- ۶- تنظیم مجدد روابط مالی بین دولت و شرکت ملی نفت با معیارهای قابل قبول

موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

واقعیت اساسی که در ایران و در هر کشور دیگر در حال توسعه باید مدنظر قرار گیرد این است که جذب سرمایه امروزه بدون حضور در جریان گسترده و پویای جهانی شدن اقتصاد با هر عقیده‌ای که نسبت به آن داشته باشیم، ممکن نیست. این حضور اقتصادی یک پیش شرط اساسی دارد که آن هم حضور سیاسی است. صنعت نفت ایران بدون تعامل با جهان و رقابت با شرکت‌های نفتی مشابه قادر به ادامه حیات نیست. آشکارا می‌توان دریافت که انزوای طلبی و عدم تعامل با جهان و فناوری آن، به افزایش روزافزون فاصله بین صنعت نفت ایران و دیگران خواهد انجامید و حاصلی جز اتلاف منابع مالی، بهره‌وری پایین و رو به کاهش و افتادن به چرخه ناتوانی نخواهد داشت. در این راه توجه به سرمایه‌گذاری به موقع و کافی برای ظرفیت‌سازی و تولید و ایجاد زمینه برای جذب فناوری از مهمترین مواردی هستند که باید مورد توجه عمیق و جدی قرار گیرند. بدین منظور در ادامه به اختصار موانع و مشکلات برسر راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران ذکر شده است.

- ۱- عدم احساس امنیت سرمایه‌گذاران خارجی و عدم حمایت قانونی شفاف برای جذب سرمایه‌های خارجی
- ۲- دولتی بودن ساختار اقتصاد کشور و شمول قانون محاسبات برای شریک سرمایه‌گذاری خارجی در بخش دولتی
- ۳- وجود ابهامات و غیرشفاف بودن قوانین و مقررات داخلی و عدم ثبات نسبی قوانین مزبور
- ۴- عدم ثبات در درجه ریسک‌پذیری کشور و بالا رفتن آن ناشی از نبود موضع مشترک و پایدار بین دولت‌مردان در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی
- ۵- نبود ضمانت اجرایی کافی و ضعف قوانین و مقررات حمایتی دولت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
- ۶- نبود عزم و اراده ملی و عدم انسجام و هماهنگی لازم بین دستگاه‌های مختلف در پذیرش و جذب سرمایه‌های خارجی
- ۷- ضعف نظام بانکی ناشی از عدم اجازه فعالیت به بانک‌های تجاری خارجی و عدم انطباق بانکداری دولتی با استانداردهای جهانی
- ۸- عدم وجود آمار و اطلاعات قابل اطمینان در مورد تجارت و صنایع کشور که باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاران خارجی با تردید و شبهه به آمار ارائه شده بنگرند و آن را ملاک عمل قرار دهند.
- ۹- وجود مشکلات عدیده اقامتی سرمایه‌گذاران خارجی در کشور از قبیل عدم دسترسی به مدارس بین‌المللی، ممنوعیت ورود اتومبیل‌های خارجی، محدودیت ورود و خروج لوازم شخصی سرمایه‌گذاران و ...
- ۱۰- عدم آشنایی سرمایه‌گذاران داخلی با سرمایه‌گذاران خارجی بعنوان بزرگترین معضل ورود سرمایه‌های خارجی
- ۱۱- عدم تطابق بین ساعات کار هفتگی، مرخصی استحقاقی، تعطیلات پایان هفته، تعطیلات رسمی و ... قانون کار و تأمین اجتماعی با قوانین مشابه بین‌المللی

۱۲- عملکرد ضعیف مناطق آزاد تجاری ایران نسبت به مناطق آزاد کشورهای همسایه بعنوان مهم‌ترین مراکز جذب و توسعه سرمایه‌های خارجی
۱۳- ضعف تبلیغات و بازاریابی برای شناساندن نقاط قوت کشور برای جذب سرمایه‌های خارجی در بخش‌های پتروشیمی، نفت و گاز و ...
۱۴- وجود برخی موانع خارجی از جمله تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران، مانع گسترش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور می‌شود.

نتیجه‌گیری

۱- مطالعه قراردادهای نفتی نشان دهنده آن است که در این قراردادها شاهد تعارض ابتدایی منافع شرکت‌های نفتی خارجی و منافع ملی دولت میزبان می‌باشیم. تعارضی غیر قابل انکار که امروزه به سمت نوعی از مشارکت در تصمیم‌گیری و تقسیم و تسهیم سود و زیان ناشی از این نوع فعالیت سیر می‌نماید.
۲- در تأمین مالی پروژه‌های زیر بنایی باید همواره سعی نمود که مناسب‌ترین راه برگزیده شود. تعریف مناسب‌ترین راه با توجه به پروژه‌های مختلف متغیر بوده و می‌تواند هر یک از موارد کمترین هزینه، بالاترین سود، بالاترین سهم مشارکت، دیرترین زمان بازپرداخت بدهی، بالاترین نرخ انتقال تکنولوژی، پایین‌ترین نرخ بهره، بهترین ساختار اجرایی پروژه و مواردی از این دست را در بر گیرد.
۳- روشی که امروزه در دنیا در ارتباطات صنعتی بیشتر بدان توجه می‌شود، روش سرمایه‌گذاری مشترک می‌باشد که طرف خارجی آورده‌ای مانند تکنولوژی و تجهیزات و طرف داخلی نیز آورده‌ای شامل منابع، مخازن، زمین و احداثات دارد. در این سرمایه‌گذاری یک نوع تقسیم ریسک و مخاطرات صورت می‌پذیرد و دو طرف تلاش بالایی انجام می‌دهند که در یک فضای مناسب بتوانند منافع خود را بیشتر کنند. مطالعات تجربی و بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که

فرآیند انتقال تکنولوژی نیز در این روش بیشتر صورت می‌پذیرد.
۴- از آنجائیکه مهم‌ترین عامل جذب سرمایه، وجود قوانین شفاف با رویکرد اقتصادی و توسعه محور می‌باشد. لازم است قراردادهای صنعت نفت با هدف ارتقای اهداف ملی بازنگری شود. و قراردادهای نمونه که درک مشترک و همگانی داشته و نظام حقوقی و قراردادی کارآمد و مؤثری داشته باشد، تدوین گردد.
۵- به جز اهداف توسعه‌ای که با هدف افزایش ظرفیت مطرح می‌شوند، ضرورت پرداختن به پروژه‌های نگهداشت تأسیسات تولید و همچنین پروژه‌های صیانت از مخازن نفتی و گازی از مواردی هستند که بی توجهی به آن‌ها، آثار سوئی را به همراه خواهند داشت. بدیهی است که صنعت نفت باید هزینه‌های اصل محوری حضور در بازارهای جهانی و تبدیل شدن به شرکت نفتی بین‌المللی را نیز برای خود در نظر بگیرد و در سیاست‌های خود لحاظ کند.
۶- در روش بیع متقابل به دلیل تلاش سرمایه‌گذار خارجی در راستای پیشینه‌کردن سود خود، نحوه استفاده از منابع و امکانات کم اهمیت می‌گردد. اگر یک قرارداد درازمدت باشد، طرف خارجی خود را ملزم به حفظ و بقای منابع می‌داند. اما در قراردادهای نفت و گاز در کشور به جهت طولانی نبودن مدت قرارداد این مسأله لحاظ نخواهد شد. از این رو در استحصال و یا تولید، روش‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عمر یک مخزن و یا چاه را شدیداً تنزل داده و ما را با ازاله منابع روبرو خواهد ساخت. در حالت‌های خاص و استثناء مانند حوزه پارس جنوبی که مخازن مشترک بوده و طرف مقابل زودتر شروع به استفاده از مخزن کرده و این مسأله با عدم وجود سرمایه جدید و ظرفیت اضافی از سوی ما جهت بهره‌برداری مواجه شده، استفاده از بیع متقابل توجیه‌پذیر است. اما به‌عنوان روش بهره‌برداری و سرمایه‌گذاری نه تنها گزینه مناسبی نیست؛ بلکه منافع ملی ما را نیز دچار مخاطره می‌نماید.

فرزاد B در انتظار به سرمایه‌گذاری ۵ میلیارد دلاری هند

مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره از تمایل جدی شرکت او.ان.جی.سی هند برای سرمایه‌گذاری ۵ میلیارد دلاری در توسعه میدان گازی فرزاد B خبر داد. به گفته محمود زیرکچیان‌زاده، نمایندگان شرکت ملی نفت ایران و این کنسرسیوم هندی به زودی برای ادامه مذاکره و امضای قرارداد، دیدار می‌کنند تا مباحث قراردادی طرح توسعه میدان گازی فرزاد B را نهایی کنند. او می‌گوید: شواهد نشان می‌دهد که شرکت او.ان.جی.سی و شرکت‌های زیرمجموعه این کنسرسیوم هندی، علاقه بسیاری برای به تولید رساندن میدان گازی فرزاد B دارند، به طوری که برای این منظور مجوزهای دولتی لازم برای آغاز عملیات اجرایی در ایران را دریافت کرده‌اند و همچنان مذاکرات خود را با ایران ادامه می‌دهند. زیرکچیان‌زاده با بیان اینکه هندی‌ها برای سرمایه‌گذاری تا ۵ میلیارد دلار در طرح توسعه میدان گازی فرزاد B مصمم هستند، تصریح کرد: اکتشاف در بلوک فارسی در اختیار مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران بود و شرکت او.ان.جی.سی نیز در عملیات اکتشاف همکاری مشترکی را آغاز کرد؛ این شرکت هندی پس از ارائه گزارش‌های فنی و اقتصادی، تمایل و اراده جدی خود برای توسعه فرزاد B را اعلام و شرکت ملی نفت ایران نیز گزارش آن‌ها را در هیئت مدیره خود مصوب کرد. میدان گازی فرزاد B با ۱۲/۵ تریلیون فوت مکعب گاز درجا در بلوک فارسی قرار دارد و بر اساس برنامه، در فاز نخست از این میدان روزانه یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون فوت مکعب گاز تولید می‌شود. زیرکچیان‌زاده تأکید کرد: هم‌اکنون شرکت او.ان.جی.سی هند، اولویت اصلی برای توسعه میدان گازی فرزاد B است و این شرکت به هیچ وجه از این پروژه کنار نکشیده است و به طور جدی مذاکرات را برای نهایی کردن قرارداد ادامه می‌دهد، اما با توجه به مقرون به صرفه بودن توسعه میدان گازی فرزاد B به دنبال سرمایه‌گذاری برای تولید گاز از این میدان و تبدیل آن به ال.ان.جی است.

۷ شرکت نفتی ایران به حراج گذاشته می‌شود

رئیس کمیته اجرای اصل (۴۴) در شرکت ملی نفت ایران بر استخراج و اعلام سریع‌تر قیمت پایه مزایده هفت شرکت زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران از سوی سازمان خصوصی‌سازی تأکید کرد. علی‌کاردن تصریح کرد: تا پایان امسال هفت شرکت زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران مشتمل بر چهار شرکت از مناطق نفت‌خیز جنوب شامل «پیرا حفاری، خدمات رفاهی، ماشین‌آلات جنوب و تجهیزات توربین جنوب» و سه شرکت مهندسی و ساختمان صنایع نفت ایران (اویک)، کالای نفت و پتروپارس از طریق مزایده به بخش خصوصی واگذار می‌شوند. وی با تأکید بر اینکه برای واگذاری شرکت‌های یاد شده در زمان مقرر، سازمان خصوصی‌سازی باید هر چه سریع‌تر قیمت پایه آنها را مشخص کند، گفت: کارشناس رسمی دادگستری در حال انجام محاسبه‌ها برای مشخص کردن قیمت پایه است تا پس از آن از طریق روزنامه‌ها مزایده عمومی اعلام شود. او همچنین خاطر نشان کرد: عرضه بلوک ۲۰ درصدی سهام شرکت حفاری شمال انجام شده و پس از عرضه این بلوک، ۵۱ درصد از سهام این شرکت باقی می‌ماند و تصمیم‌گیری درباره عرضه آن به دوره‌های آینده موکول می‌شود. البته مزایده نخست واگذاری سهام پتروپارس نیز اوایل سال جاری انجام و به دلیل ابطال آن، مقدمات مرحله جدید این مزایده انجام شده و به زودی اجرا می‌شود. شانا، ارگان رسمی وزارت نفت، خبر داد: کنسرسیومی که در مزایده خرید ۶۰ درصد از سهام شرکت پتروپارس در دور نخست برگزیده شده بود، باید ۲۰ درصد از مبلغ کل قرارداد را به حساب سازمان واریز می‌کرد، اما مشخص شد، رسید بانکی ارائه شده از سوی این کنسرسیوم که در کمیسیون مزایده سازمان خصوصی‌سازی به آن اعتماد شده بود، فاقد اعتبار بوده است. این گزارش می‌افزاید: از آنجا که فاصله برنده نخست مزایده با شرکت‌کننده دوم بسیار زیاد بود، طبق تصمیم کمیسیون مزایده سازمان خصوصی‌سازی، مزایده باطل اعلام شد. وزارت نفت در مجموع شش سال برای واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه خود مهلت دارد.